



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

تصحیح دیوان حیدری تبریزی

از

مینا آینده

استاد راهنما

دکتر علی تسلیمی

استاد مشاور

دکتر ثریا مصلحی

مرداد ۸۹

تقدیم

تقدیم به پدر و مادر مهربان و صبورم، که با شادی من شاد و با اندوه من اندوهگین شده اند و وجود آن‌ها همیشه پیام آور امید در روح من بوده است و خواهد بود.

تقدیر و تشکر

از استاد راهنمای روشنفکر و دانشمند، جناب **دکتر تسلیمی** نهایت تشکر را دارم، که در برابر هیچ کدام از مزاحمت هایم گله ای نکردند و همیشه با لبخند اطلاعات خود و ایده های جذآبشان را در اختیارم گذاردند و همیشه طراوت و تازگی در کلامشان موج می زد.

از استاد مشاور مهربانم خانم **دکتر مصلحی** سپاسگزارم که با وجود مشغله زیاد هیچ گاه اظهار خستگی نکردند و همیشه با مهربانی جوابگوی من بودند.

از استادان عزیز و مهربانم، جناب **دکتر یوسف پور**، **دکتر نیکویی**، **دکتر رضایتی**، **دکتر صفایی**، **دکتر خزانه دار لو**، **دکتر رضی**، **دکتر فاضلی**، **دکتر خائفی**، **دکتر تجربه کار بی** نهایت متشکرم و بسیار خوشحالم که در طی این شش سال افتخار شاگردی شان نصیب من شد. و برای شادروان **دکتر رحمدل** طلب آمرزش می کنم، که به من نکات فراوانی آموختند.

تصحیح دیوان حیدری تبریزی

مینا آینه

سبک وقوع حد واسطی است میان سبک عراقی و هندی. همانگونه که از نام وقوع بر می آید، وقوع بیان حالات واقعی میان عاشق و معشوق است، به زبانی ساده و به دور از تکلف و تصنع. شاعر احساسات و حالات خود را در نهایت سادگی و صمیمیت بیان می کند. در این سبک عاشق پست و حقیر است و معشوق ارجمند و معمولاً مذکر است، عاشق ناچار است در برابر هر آنچه محبوب می گوید فرمانبردار باشد در غیر این صورت عشق محبوب را بیشتر از دست خواهد داد. اما محبوب در برابر عاشق بدکیش، بدمهر، جفاجو و بلا انگیز است. شیوه ای فرعی در مکتب وقوع پیدا شد که به آن واسوخت می گفتند. در واسوخت عاشق از محبوب بیزار می شود و به دنبال رهایی و بریدن از اوست.

حیدری تبریزی از شاعران قرن دهم می باشد. او شاگرد لسانی شیرازی است که او را بنیان گذار سبک وقوع می دانند. این رساله به کلیاتی در مورد حیدری و سبک وقوع می پردازد و سپس غزلیات حیدری را بر پایه روانکاوی هورنای مورد بررسی قرار می دهد، آنگاه دیوان تصحیح شده حیدری ارائه می شود که تنها یک نسخه خطی در مجلس دارد. تصحیح حاضر تعلیقات لازم را نیز دارد.

کلید واژه: وقوع، دیوان، حیدری، تصحیح، کارن هورنای.

صفحه	فهرست مطالب
ز	چکیده فارسی
ح	چکیده انگلیسی
ط	پیشگفتار
۱	مقدمه.....
۱	زندگانی حیدری تبریزی.....
۱	نام.....
۱	تولد.....
۱	شیوه زندگی.....
۲	سفرها.....
۳	حکایتی از حیدری.....
۳	مرگ حیدری.....
۴	مدح.....
۵	هجو.....
۵	دولت صفوی و دولت گورکانی.....
۶	جلال الدین اکبرپادشاه.....
۷	آثار حیدری تبریزی.....
۷	نسخه‌ی کلیات حیدری تبریزی.....
۸	تصحیح دیوان و کارهای مصحح.....
۸	ویژگی‌های نسخه.....
۱۰	رسم الخط نسخه و تغییرات داده شده.....

۱۱ وزن و محتوی
۱۴ قافیه
۱۴ ردیف
۱۵ جناس
۱۶ تلمیح
۱۷ تشبیه
۱۸ استعاره
۱۹ ترکیبات
۲۰ کنایات و تعبیرات
۲۱ مناظره
۲۲ اقتباس
۲۲ تضاد
۲۲ قصیده گونگی
۲۳ حیدری و عرفان
۲۵ برخی خصوصیات دستوری - زبانی
۲۷ مکتب وقوع
۳۰ تغزل مذکر و نشانه های آن
۳۲ مختصات شعر حد واسط
۳۲ فرق مکتب وقوع با سبک هندی
۳۳ وجوه مشترک سبک وقوع و هندی

۳۴	واسوخت
۳۵	غزلیات حیدری بر پایه روانکاوی کارن هورنای
۳۵	کارن هورنای
۳۶	تضادهای درونی
۳۸	احساس گناه
۳۹	نشانه های مهرطلبی
۳۹	حقارت
۴۰	رشک
۴۰	نفرت
۴۱	آرزوی مرگ ...
۴۱	مسالمت جویی
۴۲	جلب محبت و توجه
۴۲	میل رنج کشی (آزارکامی و مازوخیسم)
۴۴	ناکامی
۴۴	گوش به فرمان بودن
۴۵	نشانه های برتری طلبی
۴۵	ملامت دیگران
۴۶	جسارت و خشونت
۴۶	فرصت طلبی
۴۶	تفرّ از عشق و علاقه و محبت
۴۷	پرمدعا

عزالت طلبی (عطش استقلال و بی نیازی) ۴۷

نتیجه گیری ۵۰

غزلیات ۱

قصاید ۱۹۱

ترکیب بند ۲۳۱

قطعات ۲۳۴

رباعیات ۲۴۸

فهرست عبارت های عربی ۲۵۱

فهرست منابع ۲۶۰

پیشگفتار

حیدری تبریزی از سخنوران سده‌ی دهم هجری قمری تبریز است، به حرفه‌ی سراجی روزگار می‌گذرانید و چند بار به هند رفت و نظر بسیاری را به خود جلب کرد. وی از شاگردان لسانی شیرازی است و از معاصران طوفی و وقوعی و شریف تبریزی است. درباره‌ی نام کامل وی سخنی گفته نشده است و با نام حیدری تبریزی شهرت دارد. در تمام اشعارش حیدری تخلص می‌کند. حیدری و شریف تبریزی هر دو از شاگردان لسانی شیرازی بودند. شریف تبریزی اثری با نام «سهواللسان» نوشت که در آن به بدگویی از استاد خود پرداخت، حیدری در پاسخ به شریف اثری به نام «لسان الغیب» سرود که در آن انتقام استاد خود را از شریف تبریزی گرفت. حیدری از شاعران سبک وقوع است. مکتب وقوع با زبانی ساده به بیان حالات عاشقانه می‌پردازد. از ویژگی‌های بارز این سبک ساده و صمیمی بودن و دوری از تکلف و تصنع است. عاشق پست و خوار است و معشوق در مقامی رفیع قرار دارد. سگ از الفاظ پرکاربرد است که عاشق خود را با آن می‌خواند. شاخه‌ای از وقوع واسوخت است که شاعر در آن برخلاف وقوع دیگر تن به خواری نمی‌دهد و خود را بری از محبوب می‌خواند و او را تهدید به جدایی می‌کند.

نسخه‌ی کلیات حیدری تبریزی، نسخه‌ای منحصر به فرد است، این نسخه را به معرفی استاد خود از مرکز نسخ خطی مجلس شورای اسلامی به دست آوردم. تصحیح دیوان شاعر به روش قیاسی صورت گرفته است، بدین صورت که در مواردی که کلمات، ناخوانا بودند با توجه به آثار دیگر شاعر و توجه به سبک و سیاق وی، کلمات مورد نظر تصحیح شدند. آثار دیگر شاعر از این قرار است: مثنوی جنگ نامه‌ی گجرات، مثنوی سیر و سلوک، مثنوی لسان الغیب، شعرهایی در قالب های غزل، قصیده، قطعه، رباعی و ترکیب بند که تحت عنوان دیوان حاضر تصحیح شد و مجموعه‌ای است که خود شاعر آن را «محک الشعرا» می‌خواند.

کارن هورنای یکی از پیشگامان اولیه‌ی روانکاوی است. او شخصیت‌های عصبی را به سه دسته‌ی مهرطلب، برتری طلب و عزلت طلب تقسیم می‌کند. بر اساس نشانه‌هایی که این سه تیپ دارای آن می‌باشند ساختمان شخصیتی و دفاعی شخص قابل دستیابی و بررسی می‌باشد. نشانه‌هایی که مکتب وقوع با آنها شناخته می‌شود را قابل بررسی از این منظر یافتیم و بر آن شدیم تا آن نشانه‌ها را از این دیدگاه بسنجیم.

زندگانی حیدری تبریزی

نام

درباره نام حیدری به وضوح سخنی گفته نشده است. این شاعر با نام حیدری تبریزی و یا مولانا حیدری تبریزی، معرفی می شود. خود شاعر نیز در شعر هایش با تخلص حیدری خود را خطاب می کند.

تولد

از سخنوارن سده دهم هجری قمری تبریز است. به حرفه سراجی روزگار می گذرانید و چند نوبت به هند رفت و در نظر آن مردم قبول تمام یافت. وی یکی از شاگردان لسانی شیرازی و از معاصران طوفی و وقوعی و شریف تبریزی بود (دولت آبادی، ۱۳۵۵: ۳۲۰-۳۱۹).

شیوه زندگی

نخست تاج دوزی می کرد و با آنکه در هند توانگر شده بود در بازگشت از هند از آن کشور بد می گفت. سه بار به هند رفته است و اکبر در برابر یک قصیده ده هزار روپیه، خلعت و اسب به او صله داده است. تا پایان قرن دهم هجری زیسته و پسری داشته که سامری تخلص می کرده است و دیوان او شامل شانزده هزار بیت بوده است (نفیسی، ۱۳۴۴: ۸۲۲).

در کتاب سخنوران آذربایجان آمده است: «از سحرخیزان آذربایجان است. در بازار تبریز به حرفت سراجی اشتغال داشته اما الحال از تجار معروف آنجاست. چند نوبت به هند رفته و در نظر آن مردم قبول تمام یافته است. کتابی به عنوان لسان الغیب در برابر سهو لسان شریف نوشته و انتقام مولانا لسانی را از شریف کشیده است، زیرا ابیات خوب لسانی را تضمین کرده و در مذمت شریف اشعار شیرینی گفته است.» (تربیت، ۱۲۳۵: ۱۲۵)

حیدری تبریزی - بازرگان طبیعت و شاعر خوست، بسخت تکاپو اندوزد و به آسانی برفشانده (علّامی فهّامی، ۱۸۷۲: ۲۴۹).

تقی کاشی می گوید: مولانا حیدری از سحرخیزان آذربایجان است، و از جمله مستعدان و لوندان سخندان، اگرچه عامی است اما صحبتش فرح انگیز است و اگرچه در سلک تجار و اهل قبض آنجاست، لیکن در همت سخی و صاحب عطاست. می گویند در ابتدای جوانی در بازار تبریز به حرفت سراجی اشتغال داشت. اما الحال از جمله تجار مقرر و متعین است و سال هاست که به

سیاحت و تجارت اشتغال دارد و هیچ کس را از اقران و امثال در نظر نمی آورد، چند نوبت به هند رفته و در نظر آن مردم قبول تمام یافته، و لهذا اکثر عمر را در آن راه می گذراند و هرگز در وطن مألوف اقامت نمی کند، طبعش به حیطة نظم آراسته است اما ابیات خوب که مستعدان خوش کنند ندارد. لیکن خود می گوید که اشعار مرا در هند بسیار می خوانند، خصوصاً «لسان الغیب مولانا لسانی» که در برابر «سهوالسان شریف» نوشته ام و الحق طریق وضع آن نسخه خالی از لطف نیست و انتقام مولانا لسانی از شریف کشیده، چه ابیات خوب لسانی را تضمین کرده، در مذمت شریف اشعار شیرین گفته. در شهر سنه خمس و ثمانین و تسعمائه (۹۸۵ هـ) در دارالمؤمنین کاشان به صحبت وی رسیدیم، دیوان غزل تمام کرده مشتمل بر شش هزار بیت و اشعار بسیار از آنجا می خواند که اکثر آن را در عاشقی گفته بود و اعتقادی بیش از حد به آن منظومات داشت و التماس می نمود که اکثر آن را در این خلاصه ثبت گردانم و این کمینه به حکم المأمور معذور این اشعار که در معانی آن قصور نبود در این اوراق ثبت گردانید (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۳۵۴-۳۵۳).

حیدری تبریزی از تلامذه‌ی لسانی شیرازی است و با شریف تبریزی عداوت داشته و لسان الغیب را در برابر سهوالسان شریف گفته و اکثر در سفر هند و ایران بوده (آذر بیگدلی، ۱۳۷۷: ۳۰).

مولانا حیدری از دارالسلطنه‌ی تبریز است، ... و از جمله‌ی شاگردان مولانا لسانی است، ... و در دارالسلطنه‌ی مذکور با شریف که او نیز شاگرد مولانا لسانی بود شاعری ها کرد (گلچین معانی، ۱۳۵۹: ۴۴۹).

سفرها

به نوشته‌ی امین احمد رازی، در بدو جوانی به هند رفت و از محمد قاسم خان نیشابوری رعایت بسیار یافت و با آنکه در هند به نوایی رسیده بود این رباعی بگفت:

در کشور هند شادی و غم معلوم	آنجا دل شاد و جان خرم معلوم
جایی که به یک روپیه آدم بخرند	آدم معلوم و قدر آدم معلوم

و بعد آنجا را به قصد تبریز ترک گفت ولی بعد از چند وقت باز به هندوستان عزیمت کرد و قصیده‌ی ای در مدح اکبر، پادشاه هند در سلک نظم کشید و به قول خوشگو ده هزار روپیه با اسب و خلعت و صله یافت و چون خازن در تسلیم آن تأخیر نمود این قطعه انشا کرد:

مشکلی دارم شها خواهم کنم پیش تو عرض	زانکه زین مشکل مرا صد داغ حسرت بر دل است
سیم و زر انعام کردی لیک از خازن مرا	هم گرفتن مشکل و هم ناگرفتن مشکل است

بعد از اخذ صلّه به تبریز بازگشت و در تکیه‌ی حیدر که مطلب اعلاش بود فروکش نمود (دولت آبادی، ۱۳۵۵: ۳۲۰-۳۱۹).

در بدو جوانی به هند وارد شد و از محمد قاسم خان نیشابوری رعایت بسیار یافت ... بعد از چند وقت باز عزیمت سفر هندوستان نمود و در این کَرّت از فواید خوان احسان اتگه منتفع گردید (رازی، ۱۳۴۰: ۲۴۳).

ملاً عبدالباقی نهبانندی گوید: سفر اول وی به سال نهد و هفتاد و دو (۹۷۲ هـ) بوده که پس از گزاردن حج از راه دریا به هند رفته است. (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۳۵۷) حیدری تبریزی - حاجی است و شاگرد لسانی، در هندوستان مدتی بود، رفت و باز آمد و بار دیگر چنان رفت که باز نیامد. (بداونی، ۱۳۷۹: ۱۵۱) ملاً حیدری، سه بار از عراق به هند آمده از خوان احسان این درگاه بهره مند شده رفت (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۳۵۶).

حکایتی از حیدری

ملاً عبدالباقی نهبانندی گفته است که حیدری آخرین بار که از سفر هند بازگشت، چون تبریز بر اثر هجوم رومیّه ویران شده بود، در نطنز کاشان مسکن گزید. و خود وی که در آن ایام مقیم کاشان و برادرش آقا خضر نهبانندی حاکم آن سامان بود. واقعه‌ای را که خلاصه اش این است مذکور داشته است:

«در بهمن ماه سال هزار و یک هجری شاه عباس برای گردش و شکار به نطنز رفت و در هنگام شکار «باز لوند» که از جلدی و چابکی بسیار مورد علاقه وی بود گریخته، بر بام یکی از درویشان آنجا فرود آمد و نشست و شاه بنفسه بر در خانه آن شخص رفت تا باز را بگیرد، ولی چندان که مبالغه کرد، صاحب خانه به تصوّر قلباش که چون به درون آید آزار و آسیبی به او می‌رساند در نگشود و شاه غضب کرد و حکم قتل عام فرمود! و نزدیک شد که آن معامله به وقوع انجامد، این خبر به مولانا حیدری رسید، چند بیت در آن معنی در بدیبه انشا نمود که این بیت از آنجاست:

دولت آمد بر در و بی دولتی پروا نکرد نکبتی را بین که در بر روی دولت وانکرد

و به وسیله‌ی ندما و مقربان به عرض رسانیده، مرضیّ طبع آن پادشاه افتاد، لذا رقم عفو و اغماض بر جرایم آن شخص و اهل آن ملک کشید! و حسب الالتماس مولانا ایشان را به جان امان داد!» (همان، ۳۵۷)

مرگ حیدری

تاریخ فوت او را (۱۰۰۰) هجری قمری دانسته اند (دولت آبادی، ۱۳۵۵: ۳۲۰).

مدح

حیدری در قسمت اعظم قصاید خود، بعد از تغزل به مدح و ستایش حضرت علی (ع) می پردازد:

ز جور یار و جفای فلک پناه بردم	بر آستان شه دین و سرور دنیا
امام مغرب و مشرق علیّ عالی قدر	وصیّ احمد مرسل شفیع روز جزا
علی است واقف اسرار لوکشف بیقین	علی است عالم اسرار علمّ الأسماء

(قصیده ۱)

چه اندیشه داری چو رهبر نداری	به جز پادشاه ملایک مواکب
شهنشاه کشورگشای ولایت	علیّ ولیّ غالب کلّ غالب

(قصیده ۲)

هم چنین در یکی از قصایدش به مدح و ستایش پیامبر(ص) نیز می پردازد:

ندانم از چه سبب کارگر به گردون نیست	ز داغ مهر شه دین مگر سپر دارد
محمد عربی کز پی اطاعت او	به گردون از مه نو چرخ طوق زر دارد

(قصیده ۴)

از پادشاهانی که حیدری به مدح آن ها می پردازد جلال الدین اکبر شاه است:

رفت عمر من به باد و کس مراد من نداد	از وضع و از شریف و از صغارواز کبار
چون شدم نومید از شاهان عالم عقل گفت	همتّ عالی دهد هرگز به نومیدی قرار
از جلال الدین محمد اکبر غازی طلب	هرچه می باید تورا درعرصه لیل و نهار

(قصیده ۷)

یکی دیگر از پادشاهانی که حیدری به مدح او می پردازد طهماسب شاه صفوی است:

در دست دوستان عاجز بود اعادی	چون سروران ظالم در دست شاه عادل
شاه سپهر مسند طهماسب آنکه باشد	هربنده اش چوسنجرهرخادمش چو طغرل
آن سروری که امروز دست عدالت او	بر گردن سلاطین می افکند سلاسل

(قصیده ۱۴)

هجو

میان حیدری و مولانا وحشی در زمان میر میران بکتاش خان، مشاعرات و مباحثات و مهاجرات شده. مولانا وحشی یک مثنوی تمام به هجو وی گفته و دیوانش قریب به ۱۶ هزار بیت است (تربیت، ۱۲۳۵: ۱۲۰).

میان حیدری و مولانا وحشی مهاجرات شده و وحشی یک مثنوی تمام در هجو وی گفته است (دولت آبادی، ۱۳۵۵: ۳۲۰).

حیدری حکیم بدیعی تبریزی را نیز هجو گفته:

دم زند پیش مردم دانا گه بدیعی ز شعر و گاه از طب

وای بر جان بندگان خدا گر ز طب همچو شعر باخبراست

حکیم بدیعی تبریزی راست در هجو حیدری:

حیدری گر شعر مردم را تمامی می برد نیست غم چون هست ظاهرزدی پنهان او

عاقبت می گیرد از وی هرکسی اشعار خود کاغذ و جلدی به او می ماند از دیوان او

(گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۳۶۰)

حیدری در قطعات خود از غزالی مشهدی نیز، بد می گوید، از جمله‌ی آن این ابیات می باشند:

غزالی شاعری آتش زبان است که می سوزد جهانی را به یک دم

به او هر کس که گاهی را برابر کند مشکل که باشد نسل آدم

بود گوسالکی گر سامری را قرین سازند با عیسی مریم

(قطعه ۷۲)

بدیعی تبریزی نیز، از او در امان نمی ماند:

گه بدیعی ز شعر و گاه از طب دم زند پیش مردم دانا

گر ز طب همچو شعر باخبر است وای بر جان بندگان خدا

(قطعه ۴)

دولت صفوی و دولت گورکانی

دولت صفوی در ایران و دولت گورکانی در سرزمین هند هنگامی پا می گرفت که ادب فارسی خاصه شعر، یکی از پایه های اصلی «کمالیات» مورد توجه ایران و هند بود. هر شاه و شاهزاده و امیر و امیرزاده، و همه آنان که می خواستند بر مسندهای قدرت و جلال تکیه زند خود را ناگزیر از فرا گرفتن ادب می دانستند و یا بدان تظاهر می کردند (صفا، ۱۳۷۲: ۴۴۳). سهم اصلی و اساسی در گزاردن این خدمت شگرف با دربار گورکانیان هند و پادشاهان جزء دکن و امیران و بزرگانی بود که بیشتر از ایران بدان سامان می رفتند و چون قدرت و ثروتی حاصل می کردند درگاه خود را بر روی ادیبان و ادب شناسان و شاعران می گشودند و کیسه های سیم و زر به پای آنان می ریختند و باید اذعان کرد که اگر چنین نمی بود شعر و ادب پارسی در آن روزگار چنان رشدی که یافته بود حاصل نمی کرد (همان، ۴۴۵).

همه‌ی این دلنمودگی ها که در هند نسبت به زبان و ادب فارسی شده بود به منزله پیش در آمدی بود برای آغاز عصر گورکانی در آن سرزمین، که بی هیچ گونه تردیدی یکی از بهترین دوره های ترویج زبان و شعر فارسی در سرزمین هند و عهد تشویق و ترغیب مؤلفان و نویسندگان و شاعران پارسی گوی به حد اعلائی امکان، در سراسر دوران تاریخ ادب فارسی است و دیگر هیچ گاه نظیری نیافت و نخواهد یافت. به حقیقت باید گفت که نهضت دوران گورکانیان هند در ادب فارسی نجات بخش واقعی شعر و ادب فارسی از زبونی و رهایی دهنده آن از تنهایی و انخدالی بود که چیرگی ترکان قزلباش و مدعیان عرب نژاد و تربیت یافتگان تازی خوی آنان برایش در عهد صفوی فراهم آورده بودند (همان، ۴۵۰).

جلال الدین اکبر پادشاه (۹۳۶-۱۰۱۴هـ)

جانشین همایون، در مرتبه ای از ترویج شعر پارسی و پرورش شاعران است که هیچ کس از شاهان ایران و هند و منتسب به فرهنگ ایرانی بدان نرسیده است. و عجیب است که سپهسالار این پادشاه یعنی میرزا عبدالرحیم خان خانان، پسر بیرام خان در تشویق شاعران و گرد آوردن آنان در درگاه خود با مخدوم خویش هم چشمی و با او آهنگ همسری داشت و از این رو بسیاری از شاعران عهد آن دو، ستایشگر هر دو بوده و به بارگاه این دو بزرگ به یکسان تعلق و ارتباط داشته اند. اما والاترین فضیلت او در نظر پارسی گویان همانا تشویق و ترغیب سخنوران پارسی و بزرگداشت آنان و نواختشان به مال و نعمت بسیار بود و همین کار ستوده او بود که مایه جلب پارسی گویان ایران و هند به درگاه وی و نیز انگیزه ای بزرگ در تحریض صاحب طبعان روزگار به وقف کردن عمر در راه شعر و ادب پارسی و آموختن آن ها گشت که طبعاً دنباله آن پس از زوال عمر آن نیک مرد، بدین آسانی منقطع نمی گردید. بدینگونه باید پذیرفت که با روی آوردن ادب پارسی که بر اثر تشویق های شاهان و شاهزادگان تیموری از عهد میرزا شاهرخ و پسرش آغاز شده و در دوران پادشاهی سلطان حسین بایقرا، در مرکز ادبی و هنری هرات به کمال رسیده بود، با پادشاهی جلال الدین اکبر از سر گرفته شد و این بار ثروت سرشار پادشاهان و امیران هند و دکن خاصه گورکانیان و وزیران و سرداران و صوبه داران و پایه وران بارگاه آنان نیروی بیشتری به درخت تناور پارسی و باروری دراز آهنگ

آن در هند و ایران بخشید و حتی پادشاهان صفوی را که یک چند از دوران توبه کاری طهماسب و انقلاب های بعد از او تا عهد استقرار قدرت شاه عباس نسبت به نگهداشت شعرای پارسی گوی کم اعتنا گردیده بودند به خود آورده و وضعی را که در عهد شاه عباس و اندکی بعد از او در ایران خواهیم دید، نسبت به تربیت سخنوران باعث شد (همان، ۴۵۷-۴۵۴).

آثار حیدری تبریزی

مؤلف خلاصه الاشعار به سال (۹۸۵) در کاشان با او ملاقات و دیوانش را که بالغ بر شش هزار بیت بوده ملاحظه کرده است. علاوه بر دیوان غزلیاتش در تتبع بوستان سعدی مثنوی ای انشا نمود ولی شهرت نیافت.

کلیات او:

ملاً عبدالقادر بداؤنی در منتخب التواریخ می نویسد دیوان چهارده هزار بیتی از او دیده ام اما قماش نیک در آن به غایت اندک است. کلیات او شامل قصیده، غزل و دوبیتی و مثنوی های «جنگ نامه گجرات»، «سیر و سلوک» و «لسان الغیب» است.

جنگ نامه‌ی گجرات:

مثنوی ای است در داستان جنگ و فتح گجرات که به روزگار جلال الدین محمد اکبر پادشاه (۱۰۱۴-۹۶۳) سروده است.

سیر و سلوک:

مثنوی ای است در حدود (۷۰۰) بیت با بند هایی به نثر و چنین آغاز می شود:

نسخه سرّ الهی سخن است نامه نامتناهی سخن است

لسان الغیب:

مثنوی است و در آن از جسارتی که شریف تبریزی در سهوالسان به استاد خود کرده انتقاد شده است (دولت آبادی، ۱۳۵۵: ۳۲).

نسخه‌ی کلیات حیدری تبریزی

نسخه‌ای که به تصحیح آن پرداخته ام، متعلق به کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی و نسخه ای منحصر به فرد است که مربوط به سده‌ی (۱۱) و شماره‌ی آن (۵۱۸۱) است. این نسخه، ۵۰۵ صفحه دارد و شماره‌ی ثبت آن ۶۶۶۳۴ است. این نسخه کلیات حیدری تبریزی است.

مؤلف سخنوران آذربایجان (ص ۳۲۱)، در مورد نسخه‌ی کلیات حیدری تبریزی می گوید:

نسخه‌ای از کلیات او در کتابخانه‌ی مجلس به شماره‌ی (۵۱۸۱) به خط نستعلیق خوش سده‌ی ۱۱ موجود است که شامل قصیده و غزل و دوبیتی و مثنوی‌های «جنگ‌نامه‌ی گجرات»، «سیر و سلوک» و «لسان‌الغیب» اوست.

تصحیح دیوان و کارهای مصحح

ابتدا اشعار حیدری که نسخه‌ی منحصر به فرد دارد، به شیوه‌ی قیاسی مورد بازخوانی و بازنویسی قرار خواهد گرفت و آنگاه آثار قدما که درباره‌ی زندگی و آثار حیدری نوشته‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرند و همراه با شیوه‌ی شاعری وی در مقدمه ذکر می‌گردند. در قسمت‌هایی که آماری از کاربرد ردیف و وزن داده شد، کل ابیات دیوان مورد بررسی قرار گرفت، برای پی بردن به سبک شعری حیدری، ۴۰۰ غزل ابتدایی دیوان را، از جنبه‌هایی که در قسمت مربوط در مقدمه، نام خواهیم برد، مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به اینکه این دیوان تا پایان مورد مطالعه قرار گرفته است، نتایجی گرفته شد که آن‌ها را توضیح خواهیم داد. البته در برخی موارد، خارج از این ۴۰۰ غزل نیز، مثال‌هایی ذکر شده است. نسخه‌ای که از کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی تهیه شد، کلیات حیدری تبریزی بود، که شامل تمامی آثار این شاعر می‌شود. دیوان این شاعر، شامل قالب‌های غزل، قصیده، قطعه، ترکیب‌بند و رباعی است. در گام اول همراه با خواندن شعرها به نوشتن آن‌ها پرداخته و مواردی را که قابل خواندن نبود مشخص شد. تمامی مواردی که در نسخه آمده بود با رعایت امانت نوشته شد. سپس به رفع ایراد قسمت‌هایی که خوانا نبود، پرداخته شد، که با همراهی استاد راهنما و استاد مشاور خوانده شدند. تصحیح دیوان به روش قیاسی انجام شد، بدین شکل که کلماتی که خوانا نبودند، تا آنجا که مضمون را تغییر ندهد و با سیاق و سبک شاعر هماهنگ باشد و با توجه به آثار دیگری که در دست بود حدس زده شد و قسمت‌هایی که غیر قابل حدس زدن و یا مبهم بود با رعایت علامت در متن مشخص شد، تعلیقات لازم نیز آمده است. در بعضی موارد، نیاز به تغییراتی بود که انجام داده شد. اما شکل اصلی کلمات که در نسخه آمده بود در پاورقی ذکر شد. املا‌ی نادرست برخی کلمات، اصلاح شد و رسم الخط اشعار به شیوه‌ی امروزی آن برگردانده شد. تعداد ابیات کل دیوان و نیز تعداد شعرهایی که در هر قالب در دیوان آمده است مورد شمارش قرار گرفت و شعرها به ترتیب الفبایی سامان یافت. در نهایت به بررسی غزلیات حیدری و در کل اشعار وقوعی بر پایه‌ی نظریات کارن هورنای - روانکاو آلمانی - پرداختیم.

ویژگی‌های نسخه

نسخه‌ی مورد نظر که شرحش گذشت، کلیات حیدری تبریزی بود، بنابراین تصمیم گرفته شد که نمایی از آن ارائه شود، که

شرح آن به این صورت می‌باشد:

این کلیات شامل دیوان شاعر است که ابیاتی در قالب های غزل، قصیده، رباعی، قطعه و ترکیب بند دارد. لسان الغیب، جنگ نامه‌ی گجرات، سیر و سلوک و مجموعه ای که خود شاعر آن را «محک الشعرا» نام نهاده است از دیگر آثار این شاعر است.

دیوان حیدری تبریزی دارای ۸۰۷ غزل، ۲۱ قصیده، ۱۰۸ قطعه، ۷۶ رباعی و یک ترکیب بند است، که تعداد ابیات آن به ترتیب در غزل ۴۸۸۶ بیت، قصیده ۱۲۶۸ بیت، قطعه ۲۹۴ بیت، رباعی ۱۵۲ بیت و ترکیب بند ۸۶ بیت، می باشد. مجموع ابیات دیوان ۶۶۸۸ بیت بود.

مثنوی **جنگ نامه‌ی گجرات** دارای (۵۹۰) بیت است و شروع آن این گونه می باشد:

دبیر سخن دان روشن ضمیر	چنین زد رقم مشک تر بر جریر
سخن ساز این نامه نامجوی	چنین باز کرده در گفت و گوی
که چون پادشاه ملایک سپاه	سوی ملک گجرات زد بارگاه

در مثنوی **سیر و سلوک** ابتدا از ارزش و اعتبار «سخن»، حرف زده می شود آنگاه در توحید خداوند و سپس در منقبت پیامبر(ص)، پس از آن در مدح حضرت علی(ع) و در مدح پادشاه، محمد اکبر غازی، سخن به میان می آید. پس از مدح و منقبت، سبب سرودن این مثنوی را بیان می کند. بعد از این مطالب، «شاهراه سالکان طریقت به درگاه صمدیت» را در سه قسم بیان می کند و «دخول به مراتب این حالت» را در ده قاعده می داند که پس از بیان هر قاعده حکایتی را نیز در آن مضمون بیان می کند، این قواعد به ترتیب عبارتند از: توبه، زهد، توکل، قناعت، عزلت، ذکر، توجه، صبر، مراقبه و رضا. در پایان از مطالبی چون «سخن چیست و صاحب سخن کیست، در مذهب ناشاعران، در صفت استاد زمان غزالی، در بیان اینکه عیب پوشیدن هنر است و با گفتاری در خاتمه‌ی این نسخه»، آن را به پایان می برد. با توجه به نسخه‌ی کلیات حیدری تبریزی، در مجموع این مثنوی (۱۴۹۴) بیت دارد.

لسان الغیب حیدری، دارای (۳۴۳) بیت می باشد.

مجموعه ای به نام **محک الشعرا**، مجموعه ای است که خود شاعر آن را با این نام خوانده است. این مجموعه ۳۵۲ بیت دارد و شاعر دلیل نگارش آن را این گونه بیان می کند:

«بر صاحب عیاران دارالعیار سخندانی، که نقود معانی به دستیاری ایشان سگه ور می گردد و بر صرافان راست بازار معانی، که نقد سخندانی به محک تجربه ایشان شناخته می شود، و مبرهن و مبتین باشد که جمعی از رفقای جانی که در فنون هم زبانی نامور بودند و در بحث نکته دانی سخن گستر، از این بی بضاعت استدعا نمودند که شعری می خواهیم که نقد طبایع ارباب

شعرا را بدان تجربه توان کرد، به حسب الاستدعا جمع مذکور، این نظم را که ابیات آن طلسمی است بعضی با گنج و بعضی بی گنج و یا جسمی است بعضی با جان و بعضی بی جان ترتیب و محک الشعرا نام نهاد.

این مجموعه دارای یک ترجیع بند و ۵ قصیده می باشد و با این ابیات آغاز می شود:

این نظم که میزان سخن سنجان است	کرد آنکه تمییز این سخن سنج آن است
امید که مقبول طبایع گردد	این نسخه که صد نکته در او پنهان است

رسم الخط نسخه و تغییرات داده شده

۱- «های» غیر ملفوظ با همزه‌ی بالای آن آورده شد.

۲- «های» جمع جدا کتابت شد.

۳- «ی» های نسبت و نکره و شناسه‌ی فعلی را که در الحاق به «های» غیر ملفوظ به صورت «ه» آمده بود به «ای» تبدیل شد.

۴- های غیرملفوظ که اغلب در الحاق به «های» جمع حذف شده بود اعاده گردید. مثال: شعلهای = شعله های ، پروانه‌های = پروانه های

۵- در الحاق کلماتی چون: این، او به کلمه «که»، همه را به صورت کاین، کاو نوشتم.

۶- حرف اضافه «به» به کلمات بعدی پیوسته نگاشته شده بود که مطابق با رسم الخط امروزی جدا نوشته شد.

۷- وضع «کاف و گاف» بسیار آشفته بود، مطابق با رسم الخط امروزی در همه‌ی موارد «گاف» با سرکج نوشته شد.

۸- شرایط نقطه گذاری بسیار مغشوش بود، به عنوان مثال حرف «پ» با یک نقطه و یا برای حرف «س» سه نقطه آمده بود و یا در بسیاری از قسمت ها بعضی از حروف نقطه ای نداشتند که تغییرات لازم انجام شد.

۹- «می» پیشوند فعلی پیوسته کتابت شده بود که به صورت امروزی آن برگردانده و جدا نوشته شد.

۱۰- پیشوند های فعلی «ن» و «ب» فعل جدا آمده بود که به رسم الخط امروزی به صورت پیوسته تغییر داده شد. مثال: نه

بیند = نبیند